

کیهان: علی کریمی «لمپن» است

فقدان ایدئولوژی و نخبگی ثمره‌اش در جنبشی تحقق یافت که برای نخستین بار فحاشی و الفاظ رکیک استادیومی را وارد گفتمان اعتراضی کرد و در عرصه عمل به خشونت بی‌سابقه و وندالیسم افراطی دست یازید، که همین دلیل اصلی ریزش بدنه مردمی با حرکتی بود که در ابتدا به گمان اعتراض با آن همراه شده بود. هرچند از حرکتی که دختری فراری و معلوم‌الحال و لمپن‌هایی نظیر علی کریمی هدایت آن را در دست گرفته و آن را راهبری می‌کنند، نتیجه‌ای جز این هم انتظار نمی‌رود.

به گزارش سایت خبری پرسون، کیهان در ستون «خبرهای ویژه» خود در واکنش به به متن مجازی مشترک رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون و علی کریمی و چند تن دیگر نوشت: رهبران خودخوانده اپوزیسیون گرد هم آمده سخن خود را یکی کرده تا به‌زعم خود بزرگ‌ترین نقطه ضعف «انقلاب ۱۴۰۱» را که فقدان رهبری واحد بود مرتفع کرده و در سال جدید مواجهه قدرتمندتری را با جمهوری اسلامی سامان دهند. انتشار متن مشترکی در صفحات مجازی علی کریمی، مصی علی‌نژاد، حامد اسماعیلیون، گلشیفته فراهانی و نازنین بنیادی با میدان‌داری شاهزاده ناکام رضا پهلوی امری در همین راستا بود.

دیروز و در نخستین ساعات سال نو میلادی متنی به صورت همزمان در صفحات مجازی این افراد با این مضمون منتشر شد که: «با سازماندهی و همبستگی سال ۲۰۲۳ سال پیروزی ملت ایران خواهد بود؛ سال تحقق آزادی و عدالت در ایران». هم‌چنین رسانه‌های معاند از پذیرش شروط رضا پهلوی برای ائتلاف خبر داده و از آن به عنوان ائتلافی غیررسمی با محوریت او یاد کرده‌اند. هرچند به جزئیات این شروط تاکنون اشاره‌ای نشده است.

به گزارش «مهر»، حضور چنین افرادی در رأس معاندین جمهوری اسلامی به تنهایی برای اثبات حقانیت نظام بسندگی دارد؛ روی آوردن اپوزیسیون به چنین شخصیت‌های زرد و مبتذلی برای هدایت جریان، حکایت از تهی‌بودن دست آن‌ها از به میدان آوردن فردی واجد شایستگی‌های یک رهبر و در عین حال برخوردار از کاریزمای لازم برای گرد آمدن همه مخالفان نظام ذیل چتر او دارد. حال آنکه اپوزیسیون پیش از این با چهره‌های فرهیخته‌تری به مصاف حکومتی می‌آمد که برآمده از بنیان‌های معرفتی قوی است و ابتناء بر آرمان‌های والا دارد.

چنین ترکیبی برای رهبری جنبش حتی دستاویز طنزپردازی‌ها نیز شده و انتقاد برخی چهره‌های زاویه‌دار با نظام را نیز برانگیخته است؛ توسل رضا پهلوی به‌مثابه رهبر جبهه سلطنت‌طلبان با چهار دهه فعالیت علیه نظام به مشتی سلبریتی برای تداوم حیات سیاسی خویش در مقابله با حکومت از آن جمله است.

ظاهراً این حرکت حقیرانه ربع پهلوی بعد از آن صورت گرفت که برخی مقامات سابق آمریکا مریم رجوی را به عنوان رئیس جمهور حکومت آینده ایران برای فردای براندازی به رسمیت شناخته و در معادلات خود وقعی برای آخرین بازمانده سلطنت قائل نشدند. از این‌رو شاهزاده مفلوک به در پیورگی کسب اعتبار از چهره‌هایی عاری از هرگونه صلاحیت و نخبگی افتاد تا از قافله رهبری در ایران آینده بازماند!

ناظر به هم‌صدایی افراد مذکور این نکته نیز گفتنی است که شخصیت‌های فوق در شرایطی آغاز و پایان سال میلادی را مبدأ و معیار رؤیاهای خویش عنوان کرده‌اند که در نسبت با مناسبت‌های مذهبی تقویم قمری همواره بر هویت و اصالت ایرانی تأکید داشتند و حالا این‌گونه در برابر تاریخ میلادی بر حساسیت‌های خود چشم پوشیده و به آن تن داده‌اند.

فقدان ایدئولوژی و نخبگی ثمره‌اش در جنبشی تحقق یافت که برای نخستین بار فحاشی و الفاظ رکیک استادیومی را وارد گفتمان اعتراضی کرد و در عرصه عمل به خشونت بی‌سابقه و وندالیسم افراطی دست یازید، که همین دلیل اصلی ریزش بدنه مردمی با حرکتی بود که در ابتدا به گمان اعتراض با آن همراه شده بود. هرچند از حرکتی که دختری فراری و معلوم‌الحال و لمپن‌هایی نظیر علی کریمی هدایت آن را در دست گرفته و آن را راهبری می‌کنند، نتیجه‌ای جز این هم انتظار نمی‌رود.